به نام خدا

موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی

اقتصاد نابرابری

مؤلف: توماس پیکتی

مترجمین:

علی صباغی و محمدرضا فرهادی‌پور

www.ketab.ir

اقتصاد و سرمایه‌گذاری

عنوان و نام پدیدآور: اقتصاد نابرابری/مولف توماس پیکتی ؛ مترجمین علی صباغی و محمدرضا فرهادی‌پور.
مشخصات نشر: تهران : موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۱۲۸ص.
اددا[illegible]: عنوان اصلی: The economics of inequality,2015.
موضوع: د[illegible] توزیع
موضوع: [illegible]come distribution
موضوع: برابری [illegible] کشورها[illegible] عضو اتحادیه اروپا
موضوع: Equality -- E[illegible]n Union countries
رده‌بندی دیویی: ۳۳۹/۲۲
رده‌بندی کنگره: H[illegible] ۱۳۹۶ ۷ ۹پ/[illegible]
سرشناسه: پیکتی، توماس، ۱[illegible] Piketty, Thomas
شناسه افزوده: صَبّاغی، علی، ۱۳۵۳ [illegible]
شناسه افزوده: فرهادی‌پور، محمدرضا، ۱۳۵۶ [illegible]، مترجم
شناسه افزوده: موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی
شابک: ۹۷۸۶۲۲۹۹۰۵۴۰۱
شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۰۰۵۸۳
وضعیت فهرست نویسی: فیپا

www.ketab.ir

اقتصاد نابرابری

مؤلف: توماس پیکتی

مترجمان: علی [illegible]باغی - محمدرضا فرهادی‌پور

ویراستار: [illegible] مرزالهی

صفحه آرایی: مر[illegible] درهاشمی

طراحی جلد: [illegible]نم ترابی [illegible]ریزی

لیتوگرافی، چاپ [illegible] صحافی: [illegible]

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰ جلد

شابک: ۱-۰-۹۹۰۵۴-۶۲۲-۹۷۸

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال

تهران، میدان آرژانتین، خیابان احمد قصیر، خیابا[illegible]هم، پلاک ۲۰

تلفن: ۰۲۱۸۸۷۵۳۲۴۵

فکس: ۰۲۱۸۸۵۰۷۴۲۱

کدپستی: ۱۵۱۴۷۳۴۳۱۱

ایمیل: info@ssor.ir

خواننده گرامی می‌توانید جهت شرکت در نظرسنجی [illegible]یز کتاب به لینک زیر مراجعه کنید:

http://www.ssor.ir/index.php?option=com_rsform&view=rsform&formId=30

همه حقوق این اثر متعلق به ناشر است و استفاده از مطالب کتاب با ذکر منبع مجاز است.

www.ketab.ir

فهرست مطالب

پیشگفتار مؤسسه ۸

پیشگفتار مؤلف ۱۰

فصل اول

اندازه‌گیری نابرابری و تحول آن ۱۴

انواع مختلف درآمد ۱۴

نابرابری دستمزد ۱۷

مقایسه‌های بین‌المللی ۱۹

نابرابری درآمد ۲۰

مقایسه‌های بین‌المللی ۲۳

نابرابری‌ها در زمان و فضا ۲۴

تطورِ تاریخی نابرابری ۲۶

از قوانینِ تاریخ تا عدمِ‌قطعیت‌ها ۲۸

از دستمزدها تا درآمدها ۲۹

نابرابری با توجه به اشتغال ۳۱

فصل دوم

نابرابری سرمایه-کار ۳۴

سهمِ سرمایه در درآمد کل ۳۴

مسئله دربارهٔ جانشینی سرمایه-کار ۳۵

بازتوزیع: «مالی» یا «مستقیم»؟ ۳۸

کششِ جانشینی بین سرمایه و کار ۳۹

کششِ عرضهٔ سرمایه ۴۱

آیا سرمایه‌داران و نظام قیمت ضروری‌اند؟ ۴۳

مقایسه‌ای بین نظریه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت؟ ۴۶

از سهمِ ارزش‌افزوده تا درآمد خانوار ۴۷

ثباتِ سهمِ سود به ما چه می‌گوید؟ ۵۰

چه کسی هزینه‌های اجتماعی (مالیات‌های حقوق و دستمزد) را می‌پردازد؟ ۵۱

تابع تولید کاب-داگلاس؟ ۵۳

زمانِ تاریخی در برابر زمان سیاسی؟ ۵۴

چرا سهمِ سرمایه در ایالاتِ‌متحده و بریتانیا افزایش نیافته است؟ ۵۸

پویایی‌های توزیعِ سرمایه ۶۰

نظریهٔ اعتبار و همگرایی کامل ۶۰

مسئلهٔ همگرایی بین کشورهای ثروتمند و فقیر ۶۲

مشکلِ نواقص بازارهای اعتبار ۶۳

مداخلات عمومی ممکن ۶۵

مالیات یکنواخت بر سرمایه؟ ۶۷

www.ketab.ir

فصل سوم

نابرابری درآمد کار ۷۰

نابرابری دستمزدها و سرمایه انسانی ۷۰

قدرت تبیینی نظریهٔ سرمایه انسانی ۷۱

نابرابری‌های مهمِ تاریخی ۷۲

عرضه و تقاضا ۷۲

افزایشِ نابرابری دستمزد از ۱۹۷۰ به این‌سو ۷۱

تغییر تکنولوژیکی مبتنی‌بر مهارت؟ ۷۱

نابرابری دستمزد و جهانی‌شدن ۷۶

چگونگی بازتوزیعِ درآمد حاصل از کار ۷۷

نابرابری سرمایهٔ انسانی ناشی از چیست؟ ۸۰

نابرابری مؤثر؟ ۸۱

نقش خانواده و هزینه‌های تحصیلی ۸۳

تبعیض در بازار کار ۸۶

اقدام‌های مثبت در برابر پرداخت‌های انتقالی مالی ۸۸

تبیین اجتماعی نابرابری دستمزد ۹۰

نقش اتحادیه‌ها در تعیین دستمزدها ۹۰

اتحادیه‌ها به‌مثابهٔ جایگزین بازتوزیعِ مالی؟ ۹۱

آیا اتحادیه‌ها در کارایی اقتصادی نقش دارند؟ ۹۳

قدرتِ انحصاری کارفرمایان ۹۵

چه هنگامی میانگینِ دستمزد بالاتر سطحِ اشتغال را افزایش می‌دهد؟ ۹۶

دستمزدهای کارا و دستمزدهای منصفانه ۹۸

سنت‌های ملی و نابرابری دستمزد ۹۹

فصل چهارم

ابزارهای بازتوزیع ۱۰۲

بازتوزیعِ محض ۱۰۲

نرخ‌های میانگین و حاشیه‌ای بازتوزیع ۱۰۲

منحنی U شکلِ نرخ‌های نهایی ۱۰۶

[illegible] مالی عادلانه ۱۰۷

[illegible] مالیات‌های بالا درآمد را کاهش می‌دهند؟ ۱۰۸

اعتبارِ مالیات بر درآمد حاصله در ایالاتِ متحده ۱۱۰

بازتوزیعِ مالی [illegible] کاهشِ بیکاری؟ ۱۱۰

مالیات بر درآمد منفی و درآمد پایه ۱۱۳

بازتوزیعِ مؤثر ۱۱۴

بازتوزیع و بیمهٔ اجتماعی ۱۱۴

بیمهٔ اجتماعی مؤثر ۱۱۵

آیا بیمهٔ اجتماعی ابزاری برای بازتوزیعِ مالی است؟ ۱۱۷

بازتوزیع و تقاضا ۱۲۰

منابع و اختصارات ۱۲۲

www.ketab.ir

پیشگفتـــار مؤلف

مسئله نابرابری و بازتوزیع درآمد در مرکز تعارضات سیاسی قرار دارد و به شکلی طنزآلود، به‌طور سنتی دو موضع در این خصوص اتخاذ شده است.

موضع دست راستی بازار آزاد این است که در بلندمدت، نیروهای بازار، ابتکار فردی و رشد بهره‌وری تنها عوامل تعیین‌کنندهٔ توزیع درآمد و استاندارد زندگی، مشخصاً درخصوص فقیرترین اعضای جامعه هستند؛ بنابراین تلاش‌های دولت برای بازتوزیع ثروت باید محدود شود و باید بر ابزارهایی تکیه کند که تا حد ممکن کمترین تداخل را با مکانیسم‌های بافضیلت بازار- ابزارهایی مانند مالیات بر درآمد منفی میلیتون فریدمن (۱۹۶۲)- داشته باشد.

موضع سنتی دست چپ، که سرش از نظریه سوسیالیستی قرن نوزدهمی و فعالیت اتحادیه کارگری بیشتر است، مدعی است که تنها راه کاهش بدبختی فقیرترین اعضای جامعهٔ سرمایه‌داری، رهگذر کشمکش و ستیز اجتماعی و سیاسی می‌گذرد و تلاش‌های بازتوزیعی دولت باید در بطن فرایند مولد رسوخ کند. مخالفان سیستم که سودهای سرمایه‌داران و حق‌الزحمهٔ نابرابر کارگران را با ملی‌سازی ابزارهای تولید یا تنظیم برنامه‌های دستمزد مشخص و محکم تعیین می‌کنند، نیروهای بازار را به‌چالش می‌کشند. صرفاً تجمیع مالیات‌ها برای تأمین مالی انتقالات پولی به فقرا کافی نیست.

این تعارض بین چپ و راست نشـان می‌دهد که اختلافات مربوط به شکل عینی و شرایط مطلوب سیاست بازتوزیع لزوماً ناشی از اصول متناقض عدالت اجتماعی نیستند، بلکه به دلیل تحلیل‌های متناقض از مکانیسم‌های اقتصادی و اجتماعی است که نابرابری را ایجاد می‌کنند. در واقع، اینجا اجماع معینی

www.ketab.ir

درخصوص اصول بنیادی عدالت اجتماعی وجود دارد: اگر نابرابری، حداقل تاحدی، به دلیل عواملی فراسوی کنترل افراد، مانند نابرابری موهبت‌های اولیه ناشی از ارث یا شانس (که نمی‌تواند به تلاش فردی مرتبط باشد) ایجاد شده باشد، این فقط برعهدهٔ دولت است که در جست‌وجوی کاراترین روش ممکن برای بهبود تعداد زیادی از فقیرترین‌ها باشد (یعنی کسانی که باید با نامطلوب‌ترین عوامل مبارزه کنند). نظریه‌های مدرن عدالت اجتماعی این ایده را در قالب اصل «ماکزیمم مجموعه‌ای از مینیمم‌ها» بیان کرده‌اند، که براساس آن یک جامعهٔ عادلانه باید فرصت‌ها و شرایط حداقلی در دسترس سیستم اجتماعی را حداکثر کند. اصل ماکزیمم مجموعه‌ای از مینیمم‌ها را به‌طور رسمی سرگی کریستوف کولم (۱۹۷۲) و جان رالز (۱۹۷۲) معرفی کردند، اما می‌توان این اصل را به شکلی کم‌وبیش روشن در بسیاری از کارهای قبلی نیز پیدا کرد؛ به عنوان مثال، می‌توان به این ایدهٔ سنتی اشاره کرد که برای هرکسی باید بیشترین حد ممکن از حقوق برابر تضمین شود، این مفهوم به‌طور گسترده در سطح تئوریک پذیرفته شده بود. اغلب، تضاد واقعی دربارهٔ مؤثرترین روش برای بهبود استانداردهای واقعی زندگی فقیرترین‌ها و میزان حقوقی که می‌توان به همه به اسم اصول انتزاعی عدالت اجتماعی اعطاکرد، وجود دارد.

بنابراین، فقط یک تحلیل تفصیلی از مکانیسم‌های اقتصادی اجتماعی ایجادکنندهٔ نابرابری است که می‌تواند ادعاهای رقیب این دو نسخهٔ افراطی از بازتوزیع را مشخص کند و شاید در بسط یک مجموعهٔ عادلانه‌تر و مؤثرتر از سیاست‌ها ایفای نقش کند. هدف این کتاب ارائه وضعیت دانش فعلی به‌مثابه گام اول در راستای نیل به این هدف است.

تضاد بین بینش‌های راست و چپ، که به‌طور خلاصه بیان شد، این است که سیستم‌های متفاوت بازتوزیع را برجسته می‌کند. آیا باید بازار و سیستم قیمت آن مجاز به عمل آزادانه باشد یا بازتوزیعی که صرفاً تحت تأثیر ابزارهای مالیات‌ها و پرداخت‌های انتقالی است، یا کسی باید برای تغییر ساختار نیروهای بازاری که نابرابری را ایجاد می‌کنند، تلاش کند؟ به زبان فنی اقتصاد، این تضاد با این تمایز بین بازتوزیع خالص[1] و بازتوزیع موثر[2] متناظر است. بازتوزیع خالص وقتی اتفاق میفتد که تخصیص منابع محصول به روشی انجام شود که همه منتفع شوند، و بااین‌حال، تحقق عدالت اجتماعی مستلزم بازتوزیع از ثروتمندان به نفع فقرا است. بازتوزیع کارا وقتی اتفاق میفتد که وجود نواقص بازار اجازهٔ مداخلهٔ مستقیم در فرایند تولید و دستیابی به بهبودهای بهینهٔ پارتو در تخصیص و توزیع برابر منابع را بدهد.

1- pure redistribution

2- efficient redistribution

www.ketab.ir

در تضاد سیاسی معاصر، تمایز بین بازتوزیع‌های خالص و کارا اغلب با تمایز بین بازتوزیع در یک مقیاس متوسط و بازتوزیع در یک مقیاس بزرگ یکی گرفته می‌شود. بااین‌همه، تضاد سنتی راست و چپ در گذر زمان پیچیده‌تر شده است. برای نمونه، بعضی در رویکرد چپ از «درآمد پایهٔ تضمین‌شده» برای شهروندان طرفداری می‌کنند، که باید با مالیات‌ها بدون مداخلهٔ مستقیم در بازار تأمین مالی شود. این درآمد پایهٔ‌تضمین‌شده از مالیات بر درآمد منفی فریدمن صرفاً به خاطر اندازهٔ آن متفاوت است. بنابراین، به‌طور کلی پرسش از اینکه بازتوزیع چگونه باید حاصل شود از پرسش مربوط به اندازهٔ بازتوزیع مجزا می‌شود. در این کتاب، من می‌کوشم نشان دهم که بهتر است که این دو پرسش را به‌طور مجزا بررسی کنیم، زیرا آنها بررسی‌های تحلیلی متفاوتی را می‌طلبند و منجر به پاسخ‌هایی متفاوت می‌شوند.

به‌منظور دنبال کردن این موضوعات با تفصیل بیشتر، بهتر است که با یادآوری تاریخ و اندازهٔ نابرابری در دنیای امروز برای خواننده شروع کنیم. انجام این کار ما را قادر به شناسایی مجموعه‌های اصلی حقایقی می‌کند که هر نظریهٔ نابرابری و بازتوزیعی باید مدِ نظر قرار دهد (فصل اول). دو فصل بعد (۲ و ۳) تحلیل‌هایی پیشرو از مکانیسم‌هایی ارائه می‌دهند که نابرابری را تولید می‌کنند، با تأکید بر مقاصد سیاسی دخیل‌شده در تضاد روشنفکری بین نظریه‌های متخالف و حقایق مشاهده‌شده و قابل‌مشاهده‌ای که می‌توانند به ما در این تصمیم‌گیری کمک کنند که کدام نظریه‌ها درست هستند. فصل ۲ ابتدا به نابرابری بین سرمایه و کار، یک نابرابری بنیادی می‌پردازد که عمیقاً تحلیل پرسش اجتماعی را از قرن نوزدهم تحت تأثیر قرار داده است. فصل ۳ به نابرابری درآمد ناشی از خود کار می‌پردازد، که شاید به پرسش اصلی درخصوص نابرابری معاصر تبدیل شده است (اگر همیشه چنین نبوده است). سپس تحلیل عمیق‌تر در موضوع اصلی یعنی شرایطی که در آن بازتوزیع ممکن و ابزارهای دستیابی به آن ممکن می‌شود امکان‌پذیر خواهد شد (فصل ۴). توجه خاصی به نابرابری و بازتوزیع در فرانسه خواهد شد، اگرچه کمبود داده‌های موجود و تحلیل‌ها (در تضاد جدی با توجه اختصاص‌یافته به بیکاری، «گسست اجتماعی»، و سایر موضوعات اصلی مباحثهٔ سیاسی در فرانسه در دههٔ ۱۹۹۰) در زمان‌هایی ما را مجبور به تکیهٔ صرف بر مطالعاتی از کشورهای دیگر، به‌ویژه ایالات متحده برای تشریح، تأیید و رد نظریه‌های مورد بحث می‌کند.

www.ketab.ir